ماشین تراشی مغازه احمدزئی؛ چکش‌های ساخته‌شده با آهن زنگ‌زده

«مغازه‌ی آهنگر پدر احمدزئی، در محله‌ی پل‌سرخ، هر روز صبح با صدای چکش باز می‌شود. حاجی عبدالصمد احمدزئی ۴۲ سال است که میخ، قلاب و چکش می‌سازد. اما حالا نسل جوان می‌پرسد آیا این صدا تا کی ادامه دارد. در این گزارش می‌خوانید چرا یک کارگاه کوچک با ماشین‌های قدیمی هنوز نان خانواده‌ها را می‌دهد و چرا برخی جوانان دوباره به آهنگری روی آورده‌اند.»

- نیم‌روز با حاجی عبدالصمد احمدزئی در کنار کوره
- ۱۲ نوع چکش که فقط یک آهنگر در شهر می‌سازد
- چرا فروش میخ ۳۰ درصد کم شده و سفارش‌ها عوض شده‌اند
- آموزش شاگرد جوان در کنار سندان
- هزینه‌ی برق و زغال‌سنگ که کارگاه را تهدید می‌کند

آهن زنگ‌زده، دست‌ساز و صدای پدر

حاجی عبدالصمد احمدزئی ۱۷ سال داشت وقتی پدرش او را کنار کوره نشاند و گفت «اگر میخ کج بسازی، کشتی می‌شکند». امروز او همان کارگاه را اداره می‌کند که پدرش در دهه‌ی ۱۳۶۰ ساخت. کارگاه ۶ متر در ۴ متر است و سقفش با ورق‌های زنگ‌زده پوشیده شده. در این کارگاه ۳ دستگاه برقی و ۱۲ ابزار دستی کار می‌کند. حاجی می‌گوید هنوز ۷۰ درصد کار با دست انجام می‌شود، به ویژه لبه‌ی تیز چکش و خم کردن میخ.

کوره با زغال‌سنگ روشن می‌شود و دمای آن به ۸۰۰ درجه می‌رسد. آهن خام از بازار آهن‌فروشان خریده می‌شود و بیشتر آن از قطعات قدیمی کشاورزی است. حاجی می‌گوید یک تن آهن زنگ‌زده حدود ۴۰ کیلوگرم چکش می‌دهد. هزینه‌ی حمل آهن از دره‌ی سنگ‌چال تا شهر ۱۸ درصد قیمت آهن را می‌بلعد و این برای کارگاه بزرگ‌ترین دشمن است.

۳ مرحله‌ی ساخت یک چکش

۱. آهن سرخ می‌شود و روی سندان پهن می‌شود.

۲. لبه‌ی تیز با چکش ۲ کیلویی کشیده می‌شود تا صاف بماند.

۳. دسته‌ی چوبی از بید کوهستان نصب می‌شود و با میخ محکم می‌شود.

ماشین‌ها آمدند، اما صدا نماند

دستگاه برقی کنار دیوار نصب شد و کار سه برابر سریع‌تر شد. اما حاجی می‌گوید صدای چکش دستی را نمی‌خواهد از دست بدهد. او می‌گوید مشتری‌ها وقتی صدای چکش را می‌شنوند می‌دانند کیفیت دست است. این صدا برای او مثل نبض کارگاه است. با این حال برق ماهانه ۴۲ هزار افغانی هزینه دارد و اگر قطع شود کوره خاموش می‌ماند و سفارش‌ها عقب می‌افتد.

شاگرد جوان، یونس، ۱۹ سال دارد و دیپلم گرفته است. او می‌خواست به دانشگاه برود اما پدرش گفت یک سال بیا و ببین. یونس حالا طراحی چکش را با تلفن می‌کشد و برای مشتری‌ها عکس می‌فرستد. او می‌گوید اگر اینترنت کارگاه درست شود می‌تواند سفارش‌ها را از دره‌ی سنگ‌چال هم بگیرد. این ایده برای حاجی تازه است اما او قبول کرده که یک صفحه در فیس‌بوک باز شود.

زنگ‌زدگی، دشمن پنهان

رطوبت و نمک جاده‌ها آهن را زود می‌خورد. حاجی روغن کرچک روی چکش‌ها می‌مالد تا زنگ نگیرد. یک چکش خوب اگر درست نگه‌داری شود ۱۰ سال دوام می‌آورد. اما اگر میخ کج بسازی، کشتی می‌شکند و کسی دوباره سراغت نمی‌آید. این جمله برای حاجی مثل قانون است و شاگرد جوان هر روز آن را می‌شنود.

چرا جوان‌ها برمی‌گردند

سال گذشته دو جوان از شهر آمدند و گفتند می‌خواهند آهنگری یاد بگیرند. حاجی اول مخالف بود و گفت کار سخت است و درآمد کم. اما یونس ماه سوم میخ صاف می‌ساخت و حاجی گفت هنوز خوب نیست. این برای یونس سخت بود اما او ماند. حالا هر دو با هم کار می‌کنند و حاجی می‌گوید شاید تا دو سال دیگر شاگرد سومی بیاورد.

چه باید کرد تا کارگاه زنده بماند

شورای محله پیشنهاد کرده که کارگاه به موزه‌ی کوچک تبدیل شود و بازدیدکنندگان چکش بسازند و یادگاری ببرند. حاجی می‌گوید موزه خوب است اما اگر مشتری نباشد کارگاه می‌خوابد. او می‌خواهد کارگاه کار کند و موزه کنار آن باشد. این دو راه با هم می‌توانند جلو فراموشی را بگیرند. اگر شما در شهر زندگی می‌کنید و چکش خوب می‌خواهید، سفارش را به همین کارگاه بدهید تا صدای چکش ادامه پیدا کند.

۱۲ کیلو آهن زنگ‌زده؛ ۴۰ چکش نو